

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی

۱۴ جنوری ۲۰۱۲

ایران در هفته ای که گذشت

تسویه حساب باندها بر سر کرسی‌های مجلس ارتجاع

پس از رسوایی تام و تمام انتخابات فرمایشی خرداد ۸۸ که حتا عقب‌مانده‌ترین و ناآگاه‌ترین بخش توده‌های مردم ایران به قلابی بودن انتخابات در رژیم استبدادی جمهوری اسلامی پی بردند و بساط توهم‌پراکنی گروه‌های موسوم به اصلاح‌طلب، یک‌سره برچیده شد، سران باندهای حاکم دریافته‌اند که دیگر استفاده از به اصطلاح انتخابات برای فریب و تحمیل کارساز نیست و تدریجاً باید بساط خیمه‌شب‌بازی انتخاباتی خود را تعطیل کنند. از این‌روست که نخست زمزمه برچیدن پست ریاست جمهوری آغاز گردید، اما عملی شدن آن عجالتاً موکول به برپائی مجلس آتی ارتجاع اسلامی گردید که بتواند بدون هرگونه مخالفت درونی، نخست‌وزیری را به جای رئیس جمهور منصوب کند.

خامنه‌ای و دار و دسته او اکنون به خوبی می‌دانند که توده‌های وسیع مردم ایران دیگر در بساط خیمه‌شب‌بازی انتخاباتی مجلس شرکت نمی‌کنند. از همین روست که در طول چندین ماه گذشته جنجال تبلیغاتی به راه انداخته‌اند و می‌گویند دشمنان داخلی و خارجی در تلاش‌اند تا مانع از شرکت مردم در انتخابات شوند. البته برای آن‌ها دیگر تحریم انتخابات فرمایشی چندان مهم نیست. آنچه برای آن‌ها در این مرحله اهمیت دارد، مجلسی‌ست که یک دست‌تر از گذشته باشد. بدون اما و مگر از دستورات علی خامنه‌ای، دیکتاتور مطلق‌العنان اطاعت کند، کشمکش‌ها و اختلافات کنونی در درون آن نباشد و از اصحاب فتنه، انحراف، اصلاح‌طلب و تمام انواع و اقسام ضد ولایت فقیه تصفیه شده باشد.

اما در شرایطی که رژیم از همه سو با بحران روبروست و ضرورتاً در درون باندهای حاکم اختلافات و کشمکش‌های شدیدی در جریان است، بدون ایجاد تنش‌های بزرگ‌تر نمی‌تواند این سیاست خود را پیش برد. چرا که هر گروهی می‌کوشد دیگری را تصفیه کند و لاجرم بر دامنه درگیری‌ها و اختلافات می‌افزاید. هنوز تصفیه نهائی شورای نگهبان آغاز نشده است که طرفداران احمدی‌نژاد، تصفیه گروه‌های رقیب را آغاز کرده‌اند.

در هفته‌ای که گذشت، هیأت‌های اجرائی منتخب دولت، نتایج بررسی صلاحیت نامزدهای باندهای درون حکومت را

برای نهمین دوره انتخابات مجلس ارتجاع اعلام کردند. با اعلام این نتایج، جنجال به راه افتاد. گروهی از نمایندگان دوره کنونی مجلس که تعدادشان ۳۲ نفر اعلام شد، نیز در زمره افرادی درآمدند که به اتهام عدم التزام عملی به اسلام و نظام جمهوری اسلامی و ابراز وفاداری به اصل ولایت فقیه، رد صلاحیت شدند. رد صلاحیت شده‌ها که خود از چاکران ولی فقیه و خدمتگزاران همیشگی جمهوری اسلامی هستند، اقدام هیأت‌های اجرائی را توطئه جریان منحرف برای تصفیه مخالفان خود نامیدند.

حیدری، عضو کمیسیون آموزش مجلس از فراکسیون موسوم به اصول‌گرا گفت: "رد صلاحیت برخی چهره‌های اصول‌گرای منتقد دولت در راستای سناریوی جریان انحرافی‌ست".

علیخانی عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی نیز گفت: "هیأت اجرائی در اختیار دولت است و به نظر می‌رسد، دولت تمامی منتقدان خود را رد صلاحیت کرده است." وی افزود تعدادی از اصول‌گرایان مانند کاتوزیان، مطهری، عباسپور و غیره هم رد صلاحیت شدند.

در پی اعتراضاتی که از سوی رد صلاحیت شده‌ها در مجلس صورت گرفت، لاریجانی، رئیس مجلس نیز وارد معرکه شد و برای آرام کردن معترضین گفت: "عدم احراز صلاحیت یک نماینده با توجه به چهار سال حضور در مجلس معنائی ندارد." وی سپس سه عضو هیأت رئیسه مجلس را به وزارت کشور فرستاد تا ببینند، چه کاری از دست‌شان برای تجدید نظر وزارت کشور در این احکام برمی‌آید. رئیس ستاد انتخابات استان تهران، اما در گفت و گو با رسانه‌های رژیم اعلام کرد که رد صلاحیت این افراد به خاطر گرایش‌های سیاسی و جناحی نبوده است، بلکه مشکلاتی از جمله اقتصادی و از سوی مراجع چهارگانه داشته و به این علت صلاحیت‌شان رد شده است. وی افزود: "برخی افراد به علت مسایل مالی، مواد مخدر یا داشتن پرونده ممکن است رد صلاحیت شده باشند که اگر کسی به اشتباه رد صلاحیت شده باشد، فرصت اعتراض دارد." این گفته‌ها را البته گروه‌های رقیب رد کردند. آن‌ها در انتظار به سر می‌برند تا شورای نگهبان احکام هیأت‌های اجرائی وزارت کشور را تا جایی که به گروه‌های ویژه‌ای از اصول‌گرایان ربط پیدا می‌کند، باطل اعلام نماید.

سپس نوبت به تصفیه طرفداران احمدی‌نژاد توسط شورای نگهبان خواهد رسید. رژیمی که بر بنیاد اختناق و استبداد قرار گرفته است، سرانجام، به مرحله‌ای رسیده است که حتی برای انتخابات قلابی مجلس فرمایشی‌اش باید تهمانده باندهای وابسته به خود را تصفیه کند تا گویا بتواند ادامه حیات دهد. با این همه باز هم قادر نخواهد بود به هدف خود دست یابد. کشمکش‌ها و درگیری باندها همچنان ادامه خواهد یافت.

یک رسوائی جدید برای جمهوری اسلامی

در هفته‌ای که گذشت بار دیگر یکی از مسئولین پروژه‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی در تهران ترور شد. خبرگزاری‌های دولتی روز چهارشنبه گزارش کردند که احمدی روشن معاون تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم در نطنز به همراه راننده وی در نتیجه انفجار بمب به قتل رسیدند. از مشخصات و سرنوشت فرد دیگری که گویا در این اتومبیل بوده است، اخبار و اطلاعاتی انتشار نیافت.

مقامات جمهوری اسلامی و خبرگزاری‌های وابسته به رژیم، تاکنون سه روایت از این حادثه نقل کرده‌اند. دبیر شورای تأمین استان تهران آن را نتیجه بمب مغناطیسی اعلام کرد که به درب اتومبیل وصل شده بود. وی گفت: این بمب از نوع مغناطیسی‌ست که "قبلاً برای ترور دانشمندان از آن استفاده می‌شده و در واقع کار صهیونیست‌هاست." گزارش دیگری حاکی‌ست که این بمب‌گذاری از قبل زیر ماشین جاسازی شده بود. اما گزارشی که روز پنجشنبه

خبرگزاری دولتی فارس انتشار داد می‌گوید: "۲ بمب ثانیه‌ای توسط ۲ موتورسوار به داخل اتومبیل وی پرتاب شده است." با توجه به این که از میان سه سرنشین اتومبیل، یک نفر زنده است، جمهوری اسلامی قطعاً از نحوه دقیق بمب‌گذاری و ترور آگاهی دارد، اما گویا به نفعش نیست که این اطلاعات را در اختیار مردم ایران نیز قرار دهد. چرا که در هر حال این اتفاق با توجه به این که رژیم پس از ترورهای پیشین اعلام کرده بود، از این پس تمام امکانات امنیتی و پولیسی را برای محافظت از دانشمندان هسته‌ای به کار خواهد گرفت، یک رسوائی و شکست برای جمهوری اسلامیست و پوشالی بودن ادعاهای این رژیم را نشان می‌دهد.

وزیر اطلاعات هر هفته به بهانه‌ای با خبرنگاران گفت و گو می‌کند و مدام تکرار می‌کند که وزارت اطلاعات بر همه امور اشراف دارد، همه جا را تحت نظارت قرار می‌دهد، حتی به درون سازمان‌های جاسوسی کشورهای دیگر هم نفوذ کرده است. پی در پی خبر از دستگیری جاسوسان سیا، موساد، اینتلجنت سرویس می‌دهد، اما گویا دست سازمان‌های جاسوسی چنان در ایران باز است که به سادگی متخصصین پروژه‌های اتمی جمهوری اسلامی را ترور می‌کنند.

جمهوری اسلامی پیش از این اعلام کرده بود که ترور شهریاری در آذر ماه سال ۸۹، و ترور علی محمدی در دی ماه ۸۸، توسط سازمان جاسوسی اسرائیل، موساد، انجام گرفته است. اکنون نیز عامل این قتل جدید صهیونیست‌های اسرائیلی اعلام می‌شوند.

این واقعیتیست ناگفته روشن که دولت‌های متخاصم در مبارزه برای به زانو درآوردن یکدیگر از تمام شیوه‌های جاسوسی، ارباب، تهدید، خرابکاری، ترور، تحریم و جنگ روانی و جنگ نظامی استفاده می‌کنند. شواهد متعددی نیز وجود دارد که در مخاصمه کنونی جمهوری اسلامی با رژیم اسرائیل و برخی قدرت‌های جهانی، سازمان جاسوسی اسرائیل در این ترورها دست دارد. اما از دیدگاه مردم ایران، این ترورها قبل از هر چیز پوشالی بودن جمهوری اسلامی را نشان می‌دهد که حتی قادر نیست از متخصصین هسته‌ای خود در برابر اقدامات تروریستی و خرابکارانه دولت‌های دیگر حفاظت کند. دلیل آن هم پوشیده نیست. رژیمی که در میان توده مردم منفرد است، رژیمی که پایگاهی در میان مردم ندارد و به آن‌ها متکی نیست، بلکه به تشکیلات مزدور پولیسی و امنیتی‌اش متکی‌ست، هرگز قادر نخواهد بود جلو اقدامات خرابکارانه و تروریستی رژیم اسرائیل را در ایران بگیرد. جمهوری اسلامی مقدم بر هر چیز با توده‌های مردم ایران دشمنی دارد و تمام سازمان‌های سرکوب نظامی، پولیسی و امنیتی آن برای کنترل مردم و مقابله با هر گونه تحلی نارضایتی آن‌ها سازماندهی شده‌اند. این رژیم چاره دیگری جز این ندارد که مدام خبر از اقدامات سازمان‌های جاسوسی بیگانه و به ویژه اسرائیل در ایران بدهد.

این یک رسوائی برای جمهوری اسلامیست که پی در پی خبر از اقدامات تروریستی صهیونیست‌ها در ایران می‌دهد و پوشالی بودن خود را جار می‌زند.

اخطار ترکیه به جمهوری اسلامی

وزیر خارجه ترکیه در هفته‌ای که گذشت به ایران آمد، تا پیام دولت این کشور را که در واقع حکم اخطار داشت به مقامات جمهوری اسلامی برساند.

اختلافات ترکیه و جمهوری اسلامی که بر سر سوریه و تحولات آن بالا گرفته بود، اکنون دامنه وسیع‌تری به خود گرفته و به مسایل عراق و لبنان نیز کشیده است.

دولت ترکیه از مدت‌ها پیش در تلاش است تا تحولات سوریه را در جهت منافع خود هدایت کند. لذا به حمایت از

جنبش اعتراضی مردم سوریه برخاسته و از مواضع اپوزیسیونی که همسوئی با ترکیه دارد، جانبداری می‌کند و این اپوزیسیون را تقویت می‌نماید.

بدیهی‌ست که بر سر این مسأله با جمهوری اسلامی وارد اختلاف جدی و درگیری گردد. چرا که سوریه یکی از متحدین جمهوری اسلامی‌ست که به سادگی نمی‌تواند آن را از دست بدهد. چون از دست دادن سوریه به معنای پایان نفوذ و سلطه جمهوری اسلامی بر لبنان و جنبش اسلام‌گرای فلسطین نیز خواهد بود. بنابراین تضاد ترکیه و جمهوری اسلامی بر سر سوریه، به لبنان نیز بسط می‌یابد که هم اکنون گروه حزب‌الله طرفدار جمهوری اسلامی، نقش اصلی را در دولت این کشور بر عهده دارد.

پس از آن که واحدهای نظامی امریکا خاک عراق را ترک کردند و ظاهراً اشغال این کشور پایان یافت، جمهوری اسلامی تلاش نمود، در اینجا نیز با حمایت از گروه‌های شیعه موقعیت خود را تحکیم کند و دولتی کاملاً شیعی بر سر کار آورد. پیامد این دخالت، بحرانی‌ست که هم اکنون هیأت حاکمه این کشور با آن روبرو شده است. این سیاست جمهوری اسلامی، واکنش دولت ترکیه را بر سر تحولات عراق نیز برانگیخته است که مخالف تغییر توازن قوا در عراق به نفع جمهوری اسلامی‌ست. بنابراین اختلاف بر سر سوریه و لبنان به عراق نیز بسط یافته است.

سفر وزیر امور خارجه ترکیه به ایران اساساً بر سر این سه کشور بود که حالا شکل اختلاف میان سنی و شیعه به آن داده شده است.

وزیر خارجه ترکیه بر طبق گزارش خبرگزاری دولتی فارس در گفت و گو با روزنامه ینی شفق، پیرامون علت سفرش به ایران گفته است که مسایل منطقه را با مقامات تهران به بحث و تبادل نظر گذاشته است. وی افزوده است که: "این روند یک جنبه مثبت و یک جنبه منفی دارد. جنبه مثبت آن این است که از مصر تا مراکش انتخابات برگزار می‌شود و در این انتخابات مسلمانان سنی پیروز می‌شوند. اما جنبه منفی این روند، درگیری‌های جاری در سوریه و لبنان است. اگر معلوم شود که در پس پرده درگیری‌های جاری در لبنان و سوریه ایران قرار دارد، در این صورت سنی‌ها نیز در مقابل ایران جبهه‌گیری خواهند کرد و آن‌ها باید حساب این کار را نیز بکنند.

تحولات منطقه، بهار عرب نیست بلکه بیداری منطقه است. این روند یا باعث توسعه و رونق کشورهای منطقه و افزایش سطح رفاه این جوامع می‌شود یا این که به همراه تحولات عراق و سوریه باعث بروز جنگ سرد یا موردی نظیر جنگ ایران و عراق می‌شود. هر کس باید بار دیگر حساب کار خود را بکند و بر این اساس تصمیم‌گیری نماید".

موضع‌گیری وزیر خارجه ترکیه اخطارگونه و تهدیدآمیز است. در چارچوب همین موضع‌گیری‌ست که روزنامه‌های ترکیه، حتا آن‌هائی که وابسته به اسلام‌گرایان هستند، جمهوری اسلامی را مورد حمله قرار دادند. خبرگزاری فارس در این باره گزارش کرد: "در حالی که طبق معمول انتظار می‌رفت، رسانه‌های غرب‌گرا و ضد اسلامی ترکیه این سفر را با موضعی خصمانه و ضد ایرانی و در راستای جانبداری از سیاست‌های امریکا در قبال ایران ارزیابی کنند، موضع‌گیری برخی رسانه‌های به ظاهر اسلام‌گرا علیه ایران نیز از نظرها پنهان نماند. تلقین‌های امریکا در زمینه وجود درگیری بین دو محور شیعه و سنی در منطقه بر روی محافل رسانه‌ئی ترکیه و حتا رسانه‌های مدعی اسلام‌گرایی اثر گذاشته است".

پاسخ رسمی جمهوری اسلامی به این اخطار دولت ترکیه انتشار نیافت، اما روز پنج‌شنبه این هفته لاریجانی رئیس مجلس به ترکیه رفت تا پاسخ جمهوری اسلامی را به وزیر خارجه این کشور برساند. از محتوای این گفت و گو چیزی انتشار نیافت. خبرگزاری‌های رژیم هم گزارش کردند که وی در این گفت و گوها "نسبت به توطئه نظام

سلطه برای انحراف در مسیر بیداری اسلامی هشدار داده است".

مشکل سیاست خارجی جمهوری اسلامی پیوسته ابعاد وسیع‌تری به خود می‌گیرد. درگیر شدن با ترکیه بر سر تحولات سوریه و لبنان و ایضاً دخالت‌های جدید در عراق، جمهوری اسلامی را وارد درگیری در چند جبهه کرده است. اکنون دیگر کشورهای عرب منطقه بر سر لبنان و سوریه و عراق با جمهوری اسلامی درگیر نیستند. ترکیه نیز به یک پای دیگر درگیری تبدیل شده است و این در حالی‌ست که جمهوری اسلامی در جبهه دیگر با اسرائیل، امریکا و اتحادیه اروپا روبروست. جنگ در چند جبهه نتیجه‌ای جز شکست نخواهد داشت.